

اصول تعاونی در قرن بیست و یکم

نقل از بولتن اتحادیه بین‌المللی تعاون

مترجم: طاهره اکبری

قسمت دوم

نمی‌توان انتظار داشت که همه تعاونگر باشند بلکه باید زمینه درک ارزشهایی که تعاونیها بر آن استوار گشته‌اند فراهم نمود تا فرصت تعاونگر شدن برایشان بوجود آید. بنابراین باید اجازه داد مردم به شیوه دلخواه خود در تعاونیها مشارکت نمایند.

اصول - تفسیر مقدماتی

۱- تصور عموم از اصول تعاونی بر این مبنا است که این اصول همانند فرمانهای غیرقابل انعطافی هستند که باید بدون چون و چرا از آنها اطاعت کرد. بی‌شک باید اصل رعایت استانداردهای توزین نیز در این اصول گنجانده شود. به علاوه ضمن تشویق دیگران به پیروی از این اصول، باید نسبت به منع و حتی تحریم برخی رفتارهای نامطلوب در تعاونیها کوشا بود.

این اصول مفهومی فراتر از فرمان را دارد. اصول تعاون در قضاوت و داوری درباره رفتارها و اتخاذ تصمیم یک رهنمود است. تنها پیروی از آن در غالب شعار کفایت نمی‌کند بلکه زمانی روح و جان اصول تعاونی درک خواهد شد و به حقیقت خواهد پیوست که این اصول در فعالیت‌های روزمره اعم از فردی و گروهی تثبیت گردد. از این دیدگاه اصول تعاون فهرست دیرپایی نیست که هرازگاهی نیاز به مرور و بررسی تشریفاتی داشته باشد بلکه چارچوب توانمند - عامل تشجیع - است که به واسطه آن تعاونیها می‌توانند نبض آینده را در دست بگیرند.

۲- اصولی که قلب تعاونیها را شکل می‌دهند، منفک از هم نمی‌باشند بلکه زنجیروار به یکدیگر متصل هستند و هرگاه

- در بیانیه سال ۱۹۹۵ از طرف اتحادیه بین‌المللی هفت اصل به عنوان اصول تعاون به شرح زیر اعلام شد:
عضویت آزاد و داوطلبانه، نظارت مردمی، مشارکت اقتصادی اعضا، خودگردانی و استقلال، آموزش و پرورش و اطلاع‌رسانی، تعاون در تعاونی، و توجه به مسایل جامعه.

یکی از این اصول نادیده گرفته شود تمام آنها از بین می‌رود. بدین ترتیب هرگز نباید تعاونی‌ها را فقط براساس یکی از این اصول مورد ارزیابی قرار داد بلکه تعاونیها باید براساس میزان وفاداری آنها به این اصول به عنوان یک کل ارزیابی شوند.

۳- در بیانیه سال ۱۹۹۵، هفت اصل به شرح زیر اعلام شد:

«عضویت آزاد و داوطلبانه، نظارت مردمی، مشارکت اقتصادی اعضا، خودگردانی و استقلال، آموزش و پرورش و اطلاع‌رسانی، تعاون در تعاونی و توجه به مسایل جامعه».

سه اصل اول عمدتاً به عنوان شاخص پویای هر تعاونی در نظر گرفته شده و چهار

اصل بعدی، کنش داخلی و روابط و مشارکتهای خارجی تعاونی را متأثر می‌نماید.

اصل عضویت آزاد و داوطلبانه در تعاونی

۱- این اصل با گزاره ساده «تعاونیها سازمانهایی هستند که به طور داوطلبانه تشکیل می‌شوند» آغاز و با تاکید بر آن، اهمیت انتخاب داوطلبانه مردم را در مشارکت با تعاونیهای خودشان تصریح می‌نماید: نمی‌توان از مردم انتظار داشت که همه تعاونگر باشند بلکه باید زمینه درک ارزشهایی که تعاونیها بر آن استوار گشته‌اند فراهم نمود تا فرصت تعاونگر شدن را به آنها داد. اجازه بدهید مردم به شیوه دلخواه خود در تعاونیها مشارکت نمایند.

با این حال، در تعداد زیادی از کشورهای دنیا فشار اقتصادی یا مقررات دولتی مردم را وادار به عضویت در تعاونیها می‌نماید. تحت چنین شرایطی تعاونیها به منظور جلب اعتماد اعضا برای مشارکت و همکاری داوطلبانه مسئولیت و وظایف خاصی را به عهده دارند.

۲- گزاره یاد شده در ادامه، چگونگی پذیرش اعضا در تعاونیها را این گونه تصریح می‌نماید که آغوش تعاونی به دور از هرگونه تبعیض جنسی، اجتماعی، نژادی، سیاسی یا

مذهبی به روی تمام اعضاء باز است و همه از مسئولیت و مزایای حاصل از عضویت در تعاونی برخوردار می‌گردند. با این عبارت بر شالوده تعهد جامع تعاونیها از آغاز پیدایش آنها از قرن نوزدهم تاکنون تاکید دارد. تعهد تعاونیها، به رسمیت شناختن و تصدیق منزلت اصیل تمام اعضاء و در حقیقت همه انسانهاست.

۳- عبارت «در تعاونی به روی افرادی باز است که می‌توانند از تسهیلات آن بهره‌مند شوند» حاکی از این مطلب است که تعاونیها با اهداف خاصی سازمان یافته‌اند. به عبارت دیگر، خدمات تعاونیها به عده خاصی به عنوان عضو یا تعداد معدودی از اعضاء تعلق می‌گیرد. برای نمونه، تعاونیهای صیادی خدمات خود را فقط با ماهیگیران ارائه می‌دهد، تنها تعاونیهای مسکن در زمینه خانه‌سازی تعداد بی‌شماری را تحت پوشش قرار می‌دهند، تعاونیهای کارگری تعداد محدودی را به عنوان عضو می‌پذیرند. بنابراین دلایل اعمال محدودیت در قبول عضویت در تعاونیها قابل فهم و مقبول خواهد بود.

۴- عبارت «شایق برای پذیرش مسئولیت ناشی از عضویت» به اعضاء خاطر نشان می‌کند که آنها در قبال تعاونی خود وظایفی دارند. چنین الزامی در هر تعاونی متفاوت است، اما به طور کلی امتیاز حق رای مساوی، شرکت در نشست‌ها و گردهمایی‌ها، استفاده از تسهیلات تعاونی و فراهم کردن زمینه تساوی حقوق مطابق با نیازها را مطرح می‌نماید. در تعاونیها پیوسته بر این مجموعه وظایف تاکید می‌شود زیرا انجام آنها برای اعضاء و تعاونی پیامد قابل توجهی را دربردارد.

۵- برای ایجاد اطمینان از عدم اعمال هرگونه تبعیض جنسی در عضویت و شرکت

مساوی زنان و مردان در برنامه‌های آموزشی خاص اعضاء و برنامه‌های ارتقاء سطح رهبری، تعاونیها باید نهایت سعی خود را بنمایند. چنین عملکردی عام و خاص را به مشارکت در تعاونی تشویق می‌نماید.

۶- اصل عضویت آزاد و داوطلبانه، تبعیض براساس «امتیازات اجتماعی» را نیز منع می‌نماید. مراد از تبعیض اجتماعی، هرگونه تبعیض براساس طبقه‌بندیهای اجتماعی است. جنبش تعاون از همان سالهای نخست در صد گردهم آوردن افراد از طبقات مختلف در کنار هم بود. در واقع همین ویژگی، وجه تمایز جنبش تعاون از سایر ایدئولوژیهای مطرح شده در قرن نوزدهم می‌باشد. کلمه «اجتماع» بار معنایی فرهنگ را نیز دربر دارد زیرا مسایل

اعضاء زمانی با تعاونی همگام خواهند شد که درباره امور تعاونیها با آنها مشاورت شود و اخبار تعاونی به طور قطع در اختیار آنها قرار گیرد.



قومی و نژادی به عبارتی هویت ملی را شامل می‌شود بنابراین دارای مفهوم پیچیده‌ای است. از این رو تعاونیهای اندکی به طور خاص در بین گروههای فرهنگی تشکیل شده‌اند که معمولاً در بین گروههای فرهنگی اقلیت انسجام یافته‌اند. این تعاونیها تا زمانی حق ادامه فعالیت دارند که برای تعاونیهای مشابه در بین اکثریت مزاحمتی ایجاد نمایند، افراد غیرعضو را نپذیرند، مسئولیت رشد و توسعه جنبش تعاون در حیطه خود را بپذیرا باشد.

۷- در این اصل به صراحت به کلمه نژاد اشاره شده است در حالی که در پیش‌نویس‌های قبلی ارائه شده به جلسات ادواری کنگره از ذکر کلمه «نژاد» خودداری می‌شد. هدف از حذف کلمه «نژاد» حذف انگاره نژاد به عنوان یک شیوه مقبول طبقه‌بندی نوع بشر بود. این واژه می‌تواند مفهومی از تفاوت‌های زیست‌شناسی را نیز القاء نماید. نظریه‌ای که طی ۱۵ سال گذشته شکاف عمیقی را بین خانواده بشری ایجاد نموده که تعصب و جنگ و کشتار بین این خانواده بزرگ حاصل آن می‌باشد.

تعاونت‌گران سراسر دنیا پس از بحث و تبادل نظر در مورد عدم اشاره به کلمه «نژاد» به این نتیجه رسیدند که عدم ذکر این نکته موجب ابهام و گمراهی است. برای نمونه افراد نا آشنا با فلسفه و موضع جنبش تعاون استنباط می‌کنند که می‌توان براساس موقعیت نژادی استثناء قایل شد. به همین دلیل کنگره قید واژه نژاد در اصل عضویت را پذیرفت تا در مسیر گسترش توسعه جنبش تعاون چنین ابهام‌هایی برطرف شود چه بسا در بازمینی بعدی زمینه حذف این عنوان مهیا گردد.

۸- «آغوش تعاونیها بدون توجه به گرایش سیاسی افراد به روی اعضاء باز است». از همان

اصل عضویت ارتباط تنگاتنگی با اصول آموزش و نظارت مردمی دارد، این اصل زمانی نقش خود را ایفا خواهد کرد که درباره آن آگاهی لازم وجود داشته و بین اعضا، رهبران منتخب، مدیران و کارگزاران (چنانچه مجری هستند) ارتباط موثر وجود داشته باشد.

آغاز جنبش تعاون، مردم از هر گروه سیاسی با هر جهان بینی به همکاری با هم تشویق می شوند. به عبارت دیگر تمام سعی جنبش تعاون، نادیده گرفتن جهان بینی های سنتی است که بهانه تنش، نا آرامی و زد و خورد های سالهای آخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم بود. در واقع، گردهم آوردن مردم از طبقات مختلف برای اهداف مشترک از ارمغانهای جنبش تعاون در قرن بیست و یکم می باشد.

۹- تمام تعاونیها اعضا را باید بدون توجه به باورهای مذهبی آنان با آغوش باز پذیرا باشند. در تعاونیهای امور مالی، عرفی وجود دارد که موسس و بانی خیر آنها مراکز مذهبی هستند. چنین نهادهایی چنانچه اصول را نفی نمایند، مانع سازمان یافتن تعاونیهای مشابه در بین گروههای مذهبی دیگر نشوند، از افراد غیر عضو در جامعه خود استفاده نمایند، با تعاونیهای دیگر همکاری نمایند، مسئولیت رشد و توسعه جنبش همگانی تعاونی را در محدوده خود پذیرا باشند، مجاز به ادامه کار و فعالیت هستند.

۱۰- اصل عضویت ارتباط تنگاتنگی با اصول آموزش و نظارت مردمی دارد. این اصل زمانی نقش خود را ایفا خواهد کرد که درباره آن آگاهی لازم وجود داشته، بین اعضا، رهبران منتخب، مدیران و کارگزاران (چنانچه مجری هستند) ارتباط موثر وجود داشته باشد. اعضا زمانی با تعاونی همگام خواهند شد که درباره امور تعاونیها با آنها مشورت شود و

دمکراسی در تعاونیها مفهومی بیش از این دارد و به معنی پروراندن روح دمکراسی در تعاونی و تکلیفی پایان ناپذیر، سخت، ارزشمند و حتی حیاتی است.

۲- در بیانیه سال ۱۹۹۵ در اولین گزاره این اصل آمده «تعاونیها سازمانهای مردمی هستند که اعضا گرداننده آن می باشند. این اعضا نقش فعالی در سیاست گذاری و تصمیم گیریها دارند.» در این گزاره بیش از همه بر این نکات تاکید دارد که اعضا تصمیم گیرنده نهایی هستند، شیوه عملکرد اعضا در تعاونیها مردمی باشد و شرکت فعال اعضا در سیاست گذاریها و تصمیم گیریهای حساس حق مسلم آنها است.

همکاری و مشارکت فعال اعضا با شرکت در مجامع عمومی، بحثهای مربوط به سیاستها و تصمیمات مهم تعاونی عینیت می یابد. بعضی از تعاونیها مانند کارگری، مصرف، مسکن، اشتراک مساعی مداوم اعضا در فعالیتهای روزمره را می طلبد.

در تمام تعاونیها، نمایندگان منتخب در قبال اصل عضویت مسئول هستند. این گزاره به نمایندگان خاطر نشان می کند که اعضا آنها را برای حفظ منافع کوتاه و بلند مدت خود امین می دانند. تعاونی همان قدر که به مقامهای رسمی انتخاب شده تعلق دارد، کارکنان آنها نیز در آن سهم می باشند. تعاونی متعلق به تمام اعضای خود است و مسئولین منتخب نیز طی دوره انتخاب و قیمومت خود در قبال اعضا متعهد می باشد.

۳- سومین گزاره مطرح شده در این اصل به قرار زیر است: اعضا در تعاونیهای اولیه حق رای مساوی دارند، هر عضو یک رای و در سطوح بالاتر از جمله اتحادیه این حق به شیوه نظارت مردمی اعمال می شود.

اخبار تعاونی به طور قطع در اختیار آنها قرار گیرد. از آن جایی که شایستگی شرط انتخاب رهبران، مدیران و کارکنان تعاونیها است، آنها نیز باید اعضا را بدون توجه به باورهای مذهبی یا سیاسی، جنسیت یا امتیازات جنسی، پیشینه فرهنگی یا اجتماعی آنها را درک نمایند.

۱۱- در مبحث استدلال «عضویت» یک اصل توانمند است که در مقایسه با اصول دیگر مهجور مانده است. این اصل بیان می دارد که بین مردم و تعاونی باید رابطه خاصی حاکم باشد تا اصل عضویت بی هیچ تردیدی در خدمت مردم قرار گیرد. این رابطه می تواند هدایتگر امور تجاری تعاونیها باشد، حد و حدود و شیوه عمل در امور تجاری را تحت تاثیر قرار دهد، برای آینده آنها برنامه ریزی نماید. بنابر این تایید محوریت اصل عضویت، به معنی مساعی و تعهد تعاونی در ارائه برترین خدمات به اعضا می باشد که اساس موجودیت یافتن تعاونیها را معنا می بخشد.

اصل نظارت مردمی اعضا در تعاونی

۱- کلمه «دمکراسی» یا نظارت قاطبه مردم بار معنایی پیچیده ای دارد که می توان آن را مجموعه ای از حقوق حقه به شمار آورد. درگیریهای دو قرن اخیر برای احقاق حقوق دمکراتیک مقوله ای آشنا در بستر سیاسی این برهه از زمان است. در تعاونیها «دمکراسی» رعایت حقوق و در واقع هم حقوق و هم مسئولیت را شامل می شود. با این حال

اصولی که قلب تعاونی‌ها را شکل می‌دهند، منبک از هم نمی‌باشند بلکه زنجیروار به یکدیگر متصل هستند و هرکاه یکی از این اصول نادیده گرفته شود تمام آنها از بین می‌رود. بدین ترتیب هرگز نباید تعاونی‌ها را فقط براساس یکی از این اصول مورد ارزیابی قرار داد بلکه تعاونیها باید براساس میزان وفاداری آنها به این اصول به عنوان یک کل ارزیابی شوند.

جمع است که بیانگر کار جمعی اعضاء برای حمایت از تعاونی می‌باشد. از نظر قانونی این سرمایه مشترک بین اعضاء قابل تقسیم نمی‌باشد تنها در صورت لزوم می‌توان آن را به نفع تعاونی سرمایه‌گذاری نمود.

ج) معمولاً تعاونیها به سرمایه‌ای بیشتر از اندوخته حاصل از فعالیتهای اقتصادی شرکت نیاز دارند. انتظار تعاونی از اعضاء برای حمایت از فعالیتهای تعاونی با بخشی از سود سهام خود به عنوان سرمایه در گردش تا زمان بازنشستگی معقول و منطقی آن در این صورت تعاونی سودی نخواهد پرداخت بلکه اعضاء در آینده از منافع حاصل از ادامه مشارکت بهره‌مند خواهند شد. تعاونی مجاز است طی یک درخواست ویژه اعلام افزایش سرمایه کند که اغلب تعاونیها چنین می‌کنند. از طرفی تعاونی در چنین شرایطی موظف به پرداخت سود حاصل از این سرمایه‌گذاری به اعضاء است. سود حاصله به شکل قرعه‌کشی با درصدی مناسب همانند درصدهای بانکی یا دولتی در اختیار اعضاء قرار می‌گیرد.

۴- اعضاء بر سرمایه خود در تعاونی نظارت دارند که در این رابطه دو نکته مهم و اساسی باید رعایت شود. نخست، تعاونیها نباید فقط به چگونگی افزایش سهام خود فکر کنند، اعضاء بالاترین عنصر در تصمیم‌گیری می‌باشند. دوم، اعضاء حق مالکیت بر بخشی از سرمایه گردآوری شده را دارند زیرا این سرمایه‌گویای همکاری آنها با تعاونی است و به عنوان سرمایه اشتراکی آنهاست.



نیاز مردم شکل می‌گیرند، از این رو اصل به چگونگی سرمایه‌گذاری اعضاء در تعاونی خودشان و نحوه تصمیم‌گیری برای استفاده از سرمایه متعلق به اعضاء می‌پردازد.

۱-۳ - اعضاء در مشارکت اقتصادی و

نظارت و کنترل سرمایه تعاونی خود از حقوق یکسانی برخوردارند. این عبارت علاوه بر مشارکت اقتصادی اعضاء، بر مشارکت یکسان اعضاء در این همکاری اصرار می‌ورزد. به طور کلی اعضاء می‌توانند به سه شکل در تعاونی خود سرمایه‌گذاری نمایند.

الف) مشارکت با سهام عضویت، سهام متعلقه، سود سهام عضویت به ندرت سهم یا سهام عضویت دارای سود است.

ب) در صورت پیشرفت و موفقیت تعاونی سود حاصله از فعالیتهای سازمان را می‌توان به شکل اندوخته نزد شرکت محفوظ نگه داشت. معمولاً کل یا بخشی از این درآمد متعلق به

در این گزاره، قواعد مرسوم رای‌گیری در تعاونیها تشریح می‌شود. در تعاونیهای کوچک رای‌گیری به صورت علنی است، در سطوح بالاتر معمولاً رای‌گیری به شکل آزاد^(۱) با این باور انجام می‌گیرد که در شرایط فعلی جنبش تعاون بهترین مرجع تعریف نظارت مردمی است در سطوح دیگر تعاونیها روش مشابه رای‌گیری اعمال می‌گردد تا با توجه به علایق گوناگون اعضاء، رده‌بندی در تعاونیهای پیوسته و تعهدات حاکم در آنها را نیز دربر گیرد. چنین توافقی نیاز به بازنگری ادواری دارد اما در این طبقه‌بندی، اگر جایگاه تعاونیهای کوچک موجب احساس بی‌اعتباری و عدم برخورداری از حق و حقوق مناسب گردد، همین امر سبب نارضایتی خواهد شد.

اصل مشارکت اقتصادی اعضاء در تعاونی

۱- در شرح این اصل می‌خوانیم: اعضاء در مشارکت اقتصادی و نظارت و کنترل سرمایه تعاونی از حقوق یکسانی برخوردارند. معمولاً سود سرمایه‌ای اعضاء محدود است اما آنها می‌توانند مازاد سود را برای یکی یا تمام مقاصد زیر اختصاص دهند:

توسعه فعالیت تعاونی، بهره‌مندی اعضاء از سود حاصله به نسبت معاملات آنان با شرکت تعاونی خود و حمایت از سایر فعالیتهای مورد قبول اعضاء.

۲- در تعاونیها، سرمایه وسیله است نه ارباب آن سازمان. تعاونیها به منظور برآوردن

۵- هرگاه عملیات اقتصادی تعاونیها منجر به افزایش سرمایه شد، تصمیم‌گیری در مورد نحوه استفاده از این سرمایه افزوده نه فقط حق مسلم اعضاء است بلکه آنها موظف به مشارکت در تصمیم‌گیری هستند. اعضاء می‌توانند این افزایش سرمایه را برای اهدافی از قبیل: توسعه فعالیت تعاونی، بهره‌مندی از سود حاصله به نسبت معاملات آنان با تعاونی و حمایت از سایر فعالیتهای مورد تایید اعضاء صرف نمایند.

حمایت از توسعه چشمگیر جنبش تعاون در سطح محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی از مهمترین اقدامات اعضاء است.

اصل خودگرایی و استقلال در تعاونی

۱- تمام تعاونیها در گوشه و کنار جهان از روابط خود با دولت متأثر می‌باشند. تعاونیها براساس چارچوب تعیین شده توسط دولت عمل می‌نمایند. دولتها نیز از طریق وضع مالیات، بر امور اقتصادی و سیاستهای اجتماعی تعاونیها می‌توانند نقش مفید یا مضر را ایفا می‌نمایند که به چگونگی ارتباط دولت با تعاونیها بستگی دارد. به همین دلیل تعاونیها باید در گسترش روابط به صورت آزاد و بدون شک و شبهه با دولتها هشیار و بیدار باشند.

اصل استقلال برای مستقل شدن تعاونیها یک امر ضروری است. بنابراین تعاونیها به هنوان معامله با دولت نیز در چگونگی فعالیت اقتصادی به وسیله سرمایه تعاونی، از آزادی و استقلال برخوردار است.

۲- در این اصل قید شده که «تعاونیها سازمانهای مستقل و خودگردانی هستند که اعضاء آن را اداره می‌کنند». برای افزایش سرمایه از منابع خارجی به شرط حفظ اصل

نظارت مردمی و استقلال تعاونی نسبت به هماهنگی و توافق با سازمانهای دیگر از جمله سازمانهای دولتی آزاد هستند.

۳- در این اصل عبارت «سازمانهای دیگر» با علم به این حقیقت مطرح گردید که اکثر تعاونیهای دنیا بدون اینکه اصل استقلال را نقض نمایند با شرکتهای خصوصی مشارکت و همکاری دارند. به هر حال، این اصل به حفظ آزادی عمل تعاونی اهمیت داده اما در نهایت ضمن تایید چنین توافقهایی بر اهمیت سرنوشت تعاونی تاکید دارد.

اصل آموزش و پرورش و اطلاع‌رسانی در تعاونی

۱- جنبش تعاون در زمینه آموزش از شهرتی بی‌سابقه و تعهدی استثنایی برخوردار است. در مفاد بیانیه سال ۱۹۹۵ درباره این اصل قید گردیده که «شرکتهای تعاونی موظفند زمینه آموزش و پرورش اعضاء، نمایندگان منتخب، مدیران و کارکنان را برای مشارکت کارآمد اعضاء در توسعه تعاونی خود مهیا نمایند». تعاونیها مردم را به طور اعم و جوانان و صاحب‌نظران را به طور خاص درباره اهمیت و فواید تعاون آگاه می‌سازد.

۲- این اصل بر نقش حیاتی آموزش و پرورش در تعاونیها تاکید می‌نماید. در تعاونیها آموزش مفهومی فراتر از فقط نشر اطلاعات یا تشویق برای حمایت و پشتیبانی از تعاونی دارد. آموزش به معنای درگیر کردن ذهن اعضاء، رهبران منتخب، مدیران و کارکنان برای درک کامل پیچیدگی و غنای اندیشه و عمل تعاونی است. پرورش به معنای حصول اطمینان از مهارت همبستگان تعاونی در تحمل بار مسئولیت سنگین متقبل شده است.

از آن جایی که آموزش و پرورش فرصت‌طلبی را فراهم می‌آورد تا رهبران از نیاز

اعضاء آگاهی یابند. از این دیدگاه، اهمیت خاصی دارد. براساس این اصل باید شیوه‌ای اتخاذ نمود که پیوسته تعاونی را ارزیابی و برای ارتقاء سطح خدمات یا فراهم کردن زمینه ارائه این خدمات به اعضاء پیشنهادهای جدید ارائه نمود. تعاونی که ارتباط دو جانبه بین اعضاء و رهبران را تشویق می‌نماید و سعی دارد پایه آن را بر رفتار مناسب و شایسته بنا نهاد، هرگز با شکست مواجه نخواهد شد.

۳- اصل یاد شده با تایید بر وظیفه ویژه تعاونیها در زمینه اصلاح‌رسانی و آگاه نمودن صاحب‌نظران به طور اعم همانند سیاست‌گذاران، کارگزاران دولتی، نمایندگان وسایل ارتباط جمعی و نشر تحصیل کرده اجتماع و جوانان به طور اخص از ماهیت و فواید تعاونی خاتمه می‌یابد. گرچه طی دهه اخیر، در بعضی از کشورها، شاهد کوتاهی برخی تعاونیها نسبت به انجام این امر خطیر و مهم هستیم لیکن تعاونیها در صورتی می‌توانند نقش آتی خود را ایفا نمایند که شیوه مناسبی برای مواجه شدن با این مسئولیت و وظیفه در نظر داشته باشند. مردم هرگز از یک نهاد ناآشنا حمایت و قدردانی نخواهند کرد.

تعاون در تعاونی

۱- در این اصل می‌خوانیم: «تعاونیها ضمن همکاری با هم از طریق همکاری‌های محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی خدمات خود را در اختیار اعضاء گذارده و مایه استحکام جنبش تعاون خواهند بود».

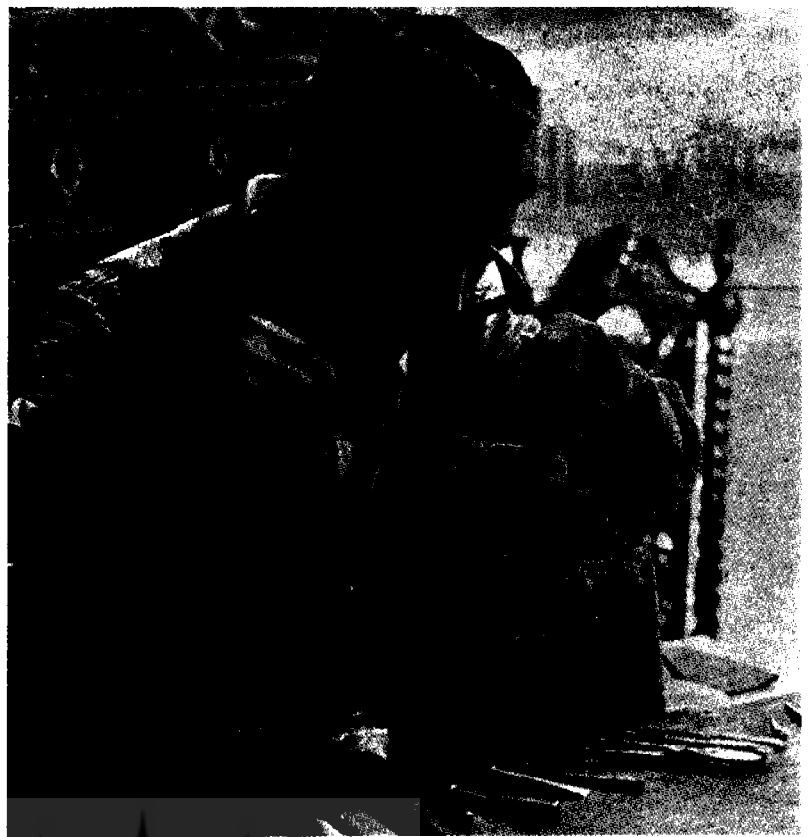
این اصل از سال ۱۸۵۰ به بعد دستخوش تغییر و تحول بود تا اینکه در بازمینی اصول در سال ۱۹۶۶ به عنوان یک بند مستقل مطرح شد. تا سال ۱۹۹۰ اصلاً به عنوان یک اصل مهم مورد توجه نبود زیرا تنها راه رسیدن به توان بالقوه تعاونیها، همکاری جدی و عملی

شرایط خاص با جامعه خود ارتباط تنگاتنگی دارند. به همین دلیل نسبت به ایجاد اطمینان از حفظ توسعه جامعه خود از نظر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی بر عهده دارند. تعاونیها موظفند برای حفظ محیط زیست جامعه خود نهایت تلاش خود را بنمایند. هر چند اتخاذ تصمیم در مورد دامنه و شیوه همکاری تعاونیها با جامعه خود بر عهده اعضای تعاونیها است به هر حال تمام موارد مجموعه‌ای از مسئولیت‌های ناشی از عضویت در تعاونی است که اعضاء نمی‌توانند از انجام آن سرباز زنند.

نتیجه

اصول تعاون در مجموع جریان حیات بخش جنبش تعاون است. اصول مذکور از ارزشهایی ناشی می‌شود از همان ابتدا موجب القاء و برانگیختن نهضت تعاون شد ساختار تعاون را شکل داده و نگرشها را به صورتی تعیین کرده که زمینه چشم‌اندازی متمایز از نهضت تعاون را فراهم نمود. رهنمودهایی هستند که به واسطه آنها تعاون‌گران می‌توانند در توسعه سازمانهای خود کوشا باشند. آنها ذاتاً اصولی کاربردی هستند. همان طور که از تجربیات حاصله از نسل‌های مختلف برای ساختن آن استفاده شده از اندیشه فلسفی نیز بهره‌مند شده است. در نتیجه این اصول انعطاف‌پذیر با تمام جزئیات بری انواع تعاونیها در هر شرایطی کاربرد دارد. هرگونه اتخاذ تصمیمی درباره این اصول تعاون‌گران مدنظر قرار می‌گیرند. برای نمونه، این اصول با در نظر گرفتن ماهیت مردمی این نهادها، نقش هر یک از سهامداران، به منظور تخصیص مازاد سرمایه تنظیم می‌شود. اصول تعاون از تاثیر نقش تعاون‌گران، تمایز تعاونیها و ارزشهای جنبش تعاون غیر قابل تفکیک است.

1- Open - ended



را برای مهار کردن اقتصاد جهانی از دست دادند، تعاونیها جانشین خوبی برای حفظ سرمایه بلاواسطه افراد عادی هستند. تعاونیها، بیش از پیش ضرورت حمایت سازمانهای تحت حمایت خود و فعالیت آنها را درک می‌نمایند. ظاهراً آمادگی و چیره شدن بر مسایل و مشکلات در یک تعاونی خاص آسان است اما همیشه چنین نیست. در تعاونیها خواسته‌ها و علایق جمعی مطرح است که بر معنای ارزش همبستگی و اصل تعاون و تعاونی استوار می‌باشد. به همین دلیل حمایت سازمان یافته تمام تعاونیها برای رسیدن به مقصود ضروری است. زمانی که تعاونی با دولت روبرو است یا در صدد تشویق عموم به همگامی در «راه تعاون» است، پیوستن انواع تعاونیها به یکدیگر الزامی است.

توجه به مسایل جامعه در تعاونی

تعاونیها سازمانهایی هستند که ابتدا برای بهره‌مندی اعضاء تشکیل می‌شوند و به همین دلیل وابستگی شدیدی به اعضاء تعاونیها و در

آنها با یکدیگر است، در این صورت مزایای بی‌شماری در سطح محلی بدست خواهند آورد. تعاونیها باید سعی نمایند ضمن بهره‌مندی از مزایای داد و ستد در سطح محلی و حفظ امتیاز تملک و مالکیت خود، از امکانات سازمانهای عمده و بزرگ نیز بهره‌مند شوند. ایجاد تعادل و توازن بین خواسته‌های اعضاء کمی مشکل و چالش مستمری در بافت تعاونی است و برای حفظ بقای خود با آن مبارزه می‌نمایند تا نبوغ تعاونیها در این آزمون بر همگان آشکار گردد.

تعاونیهای سراسر دنیا باید نسبت به فراهم آوردن زمینه‌های سرمایه‌گذاری مشترک تجاری آگاهی لازم را داشته باشد و با هوشیاری به این امر مبادرت ورزند. همگام با توجه به علایق اعضاء باید برای ارتقاء سطح خواسته‌های اعضاء نیز کوشا باشند و به مرور فعالیت‌های مشترک بین‌المللی را مورد بررسی قرار دهند. در حقیقت، هرگاه دولتها توان خود